



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق‌پژای بین‌الملل

Volume 2, Issue 3, 2024

# The Capacity of the Statute of the International Criminal Court to Implement the Principle of Equality of Arms in the Preliminary Investigation Process of International Crimes

Peyman Namamian <sup>1</sup>, Amir Hossein Shakibrad <sup>2</sup>

1. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Administrative Science and Economy, Arak University, Arak, Iran. (Corresponding Author)

2. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

## ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 49-60**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0001-7681-7293

**TELL:** +988632620000

**Email:** p-namamian@araku.ac.ir

**Article history:**

**Received:** 14 Apr 2024

**Revised:** 02 Jun 2024

**Accepted:** 10 Aug 2024

**Published online:** 22 Sep 2024

**Keywords:**

*Victim's Rights, Evidentiary Evidence, Equality of Arms, Witnesses, ICC.*

## ABSTRACT

The principle of equality of arms is considered one of the fundamental foundations of a fair trial, which guarantees equality between the parties to the dispute in terms of facilities, rights and opportunities for defense. This principle is particularly important in international criminal proceedings, because defendants are often in an unequal position when faced with international judicial bodies and the extensive capabilities of the prosecution. In the International Criminal Court (ICC), although the Statute of the ICC addresses this principle in articles such as 54, 61 and 67, several challenges are observed in its implementation, especially at the preliminary investigation stage. The absence of an independent investigating judge, the extent of the prosecutor's powers, and the limitation on the disclosure of evidence are among the factors that can affect the balance of the proceedings. In addition, Article 69(7) of the Statute of the ICC establishes the rule of inadmissibility of evidence to prevent the admission of evidence obtained through violations of fundamental rights, but its practical implementation still faces obstacles. This article, by examining the principles, challenges and solutions to achieve equality of arms in the preliminary investigation phase of the ICC, shows that for this principle to be truly realized, it is necessary to pay attention to the independence of the investigation process, more careful monitoring of the disclosure of evidence and facilitating access to counsel for the accused in order to better guarantee the principle of equality of arms.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

**How to Cite This Article:** Namamian, P & Shakibrad, AH (2024). "The Capacity of the Statute of the International Criminal Court to Implement the Principle of Equality of Arms in the Preliminary Investigation Process of International Crimes". *Journal of International Criminal Law*, 2(3): 49-60.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

# فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

## حرفیت اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای اجرای اصل تساوی سلاح‌ها در فرایند تحقیقات مقدماتی رسیدگی به جرایم بین‌المللی

پیمان نامیان<sup>۱</sup>، امیرحسین شکیب راد<sup>۲</sup>

۱. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

### چکیده

اصل تساوی سلاح‌ها یکی از مبانی اساسی دادرسی منصفانه محسوب می‌شود که تضمین‌کننده برابری میان طرفین دعوا از حیث امکانات، حقوق و فرصت‌های دفاعی است. این اصل به‌ویژه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا متهمان غالباً در مواجهه با دستگاه‌های قضایی بین‌المللی و امکانات گسترده دادستانی در وضعیت نابرابری قرار دارند. در دیوان کیفری بین‌المللی، اگرچه اساسنامه رم در موادی مانند ۵۴، ۶۱ و ۶۷ به این اصل پرداخته است، اما چالش‌های متعددی در اجرای آن، به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی، مشاهده می‌شود. نبود یک قاضی تحقیق مستقل، گستردگی اختیارات دادستان، محدودیت در افشای دلیل، از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر توازن دادرسی تأثیر بگذارند. علاوه بر این، ماده ۶۹(۷) اساسنامه رم قاعده بطلان دلیل را مقرر کرده است تا از پذیرش دلایلی که از طریق نقض حقوق اساسی به‌دست آمده‌اند، جلوگیری شود، اما اجرای عملی آن همچنان با موانعی مواجه است. این مقاله با بررسی اصول، چالش‌ها و راهکارهای تحقق تساوی سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی، نشان می‌دهد که برای تحقق واقعی این اصل، لازم است که استقلال فرآیند تحقیقات، نظارت دقیق‌تر بر افشای دلیل و تسهیل دسترسی متهمان به وکیل مورد توجه قرار گیرد تا اصل تساوی سلاح‌ها به‌شکل بهتری تضمین شود.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۹-۶۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۲۹۳-۷۶۸۱-۱-۷۶۸۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۸۶۳۲۶۲۰۰۰۰

ایمیل: p-namamian@araku.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق بزه‌دیده، ادله اثباتی، تساوی سلاح‌ها، شهود، دیوان کیفری بین‌المللی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

از جمله در ماده (۱) ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که صراحتاً به آن اشاره دارد. این تصریح نشان‌دهنده جایگاه اساسی این اصل در نظام‌های حقوقی است و بر ضرورت رعایت آن در تمامی مراحل دادرسی تأکید دارد.

با تأکید بر جایگاه و اهمیت اصل تساوی سلاح‌ها، لازم است که این اصل در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی نیز نقش پررنگی ایفا کند؛ دبیرکل سازمان ملل متحد نیز هنگام تشریح مبنای حقوقی تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی، در پاراگراف ۱۰۶ قطعنامه مشهور ۸۰۸ در سال ۱۹۹۳ در شورای امنیت سازمان ملل به‌نحو ویژه‌ای به حقوق متهمان تأکید کرده که این موضوع بدیهی است که دادگاه‌های بین‌المللی باید استانداردهای شناخته‌شده بین‌المللی در مورد حقوق متهم را کاملاً در تمام مراحل دادرسی که به‌ویژه ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی را رعایت کند<sup>۱</sup> (لازم به توضیح است که در بند ۱ ماده ۱۴ میثاق مدنی و سیاسی به صراحت اصل تساوی سلاح‌ها ذکر شده است).

با این حال، بررسی سوابق دادرسی‌های کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که این اصل در موارد متعددی مورد خدشه قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، در دادگاه نظامی نورنبرگ، یکی از انتقادات مطرح‌شده از سوی وکلای آلمانی، عدم رعایت اصل تساوی سلاح‌ها بود. آن‌ها استدلال می‌کردند که روند دادرسی در نورنبرگ بیش از آن که یک محاکمه عادلانه باشد، به نمایشی تصنعی شباهت دارد (سافرلینگ، ۱۳۹۷: ۵۴۲). البته از جنبه داده‌های ساختاری و کمی نیز این موضوع قابل استنباط بود، زیرا وضعیت ساختاری و کمی این دادگاه بدین شرح بود که ۲۷ وکیل پایه و ۵۴ وکیل کم‌سابقه از ۲۰ متهم و ۶ سازمان دفاع می‌کردند؛ در مقابل نفوذ نمایندگان اعزامی امریکا ۲۰۰۰ عضو داشتند، ۱۷۰ نفر از کادر انگلستان، ۲۴ پرسنل روسی و حدوداً ۱۲ وکیل فرانسوی حضور داشتند و به نوعی وضعیت ساختاری و کمی تقریباً غیرعادی و تمسخرآمیز بود (سافرلینگ، ۱۳۹۷: ۵۴۲).

اصل تساوی سلاح‌ها یکی از ارکان اساسی دادرسی منصفانه محسوب می‌شود و نقشی بنیادین در تضمین عدالت قضایی ایفا می‌کند. این اصل به معنای برابری و توازن میان طرفین دعوا از نظر امکانات، فرصت‌ها و حقوق در فرآیند دادرسی است، به‌گونه‌ای که هیچ‌یک از طرفین اعم از دادستان و متهم از مزیت یا امتیاز ناعادلانه‌ای برخوردار نباشد؛ به همین جهت دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در خصوص اصل تساوی سلاح دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده دومبوهر علیه هلند تأکید می‌کند که: «اصل برابری سلاح‌ها مستلزم آن است که به هریک از طرح دعوای خود در شرایطی که او را نسبت به طرف مقابل در وضعیت نامناسب اساسی قرار ندهد» (ساقیان، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۲).

درواقع، می‌توان اذعان داشت اصل تساوی سلاح‌ها نه تنها مکمل سایر اصول دادرسی عادلانه، از جمله حق دفاع و بی‌طرفی دادگاه است، بلکه بدون تحقق آن، اصول مذکور نیز عملاً بی‌اثر خواهند شد. چنانچه یکی از طرفین، به‌ویژه متهم، از حقوق و ابزارهای کافی برای دفاع از خود برخوردار نباشد، نمی‌توان از دادرسی منصفانه سخن گفت، چراکه نتیجه چنین روندی از پیش به نفع طرفی خواهد بود که از امکانات و ابزارهای بیشتری برخوردار است، درضمن، تحقق عدالت در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی باتوجه به ماهیت چندزبانه این فرآیند، نیازمند ملاک‌ها و معیارهای عینی است. حق دادرسی عادلانه به‌عنوان یک تضمین چتری، شامل تعدادی از آیین‌های شکلی است که برای فرآیند دادرسی کیفری طراحی شده‌اند (پیری، ۱۴۰۲: ۹۳).

اصل تساوی سلاح‌ها در حال حاضر یک اصل پذیرفته‌شده در نظام‌های دادرسی داخلی محسوب می‌شود و نقش مهمی در تضمین دادرسی عادلانه ایفا می‌کند. این اصل ایجاب می‌کند که تمامی طرف‌های یک دعوا، به‌ویژه در دادرسی‌های کیفری، از حقوق و امکانات برابر برای ارائه دفاعیات و استدلال‌های خود برخوردار باشند. اهمیت این اصل به‌حدی است که در بسیاری از اسناد بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است،

۱-

شود تا اصل برابری سلاح‌ها و هم‌ترازی حق‌ها رعایت گردد و دادرسی عادلانه تضمین شود.<sup>۲</sup>

اصل تساوی سلاح‌ها به این معنی نیست که متهم حق دارد همانند دادستان از امکانات و منابع برخوردار شود. آنچه به این معناست این است که طرفین امکانات کافی در اختیار داشته باشند تا از حق خود دفاع کنند (ساک کیتی چایساری، ۱۳۹۳: ۳۶۶). به‌رحال در فرایند دادرسی کیفری بین‌المللی لازم است بر پایه این اصل مرجع قضایی باید از نبود شرایط نامساعد یا محدودیت‌هایی برای هریک از طرفین دعوا به‌هنگام ارائه ادله خویش اطمینان حاصل کند (Cryer, 2019: 419).

در اساسنامه رم به مسأله اصل تساوی سلاح‌ها نسبت به دادگاه‌های بین‌المللی قبلی توجه بیشتر شده است، اما با این حال ممکن است که چالش‌های در این خصوص وجود داشته باشد که ادامه به این موضوع بیشتر پرداخته می‌شود، البته در هدف از این نوشته بررسی اصل تساوی سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد و از بررسی این اصل در مرحله رسیدگی خودداری می‌شود.

لازم به توضیح است که تبلور رعایت اصل تساوی سلاح‌ها در مرحله تحقیقات در دو ساحت کلی قابل بررسی است: ۱- ساختار انجام تحقیقات مقدماتی؛ ۲- وضعیت حقوق متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی که در ادامه در دو بخش این دو ساحت در مرحله تحقیقات مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی بررسی شود و تا میزان پابندی اساسنامه رم به اصل تساوی

درخصوص اصل تساوی سلاح‌ها، در دیوان‌های موقتی رواندا و یوگسلاوی در ابتدا این اصل را به نفع متهم تفسیر کردند. با این حال، در ادامه، این دیوان‌ها از آرای پیشین خود عدول کرده و تأکید کردند که اصل تساوی سلاح‌ها نباید صرفاً به نفع متهم تفسیر شود. آن‌ها در این زمینه به دو دلیل اصلی اشاره کردند: ۱- در زمینه بین‌المللی هیچ نابرابری ذاتی در موقعیت‌های دادستانی و متهم وجود ندارد، زیرا هر دو طرف به همکاری دولت‌ها وابسته هستند، این موضوع باعث می‌شود که عملکرد دیوان با نظام‌های دادرسی داخلی متفاوت باشد؛ ۲- دادستان وظیفه حمایت از منافع بزه‌دیدگان و جامعه بین‌المللی را دارد و از این جهت منافع بزه‌دیدگان و جامعه بین‌المللی را نیز این‌که شود و از این جهت اصل برابری سلاح‌ها نیز نباید صرفاً به نفع متهم تفسیر شود<sup>۱</sup> (Fedorova, 2017: 206-208).

به‌نظر می‌رسد که استدلال‌های دیوان‌های موقت در این زمینه چندان قابل پذیرش نیست، زیرا بی‌تردید، اقتضائات دادرسی‌های بین‌المللی با دادرسی‌های ملی تفاوت دارد و چالش‌های متعددی بر سر راه دادرسی‌های کیفری بین‌المللی وجود دارد (صابر، ۱۳۹۴: ۴۴). با این حال، این تفاوت‌ها نمی‌تواند توجیه‌کننده این ادعا باشد که هیچ اختلاف ذاتی میان موقعیت دادستان و متهم در دادرسی‌های بین‌المللی وجود ندارد. درواقع، در فرایند دادرسی‌های بین‌المللی نیز دادستان از موقعیت برتری نسبت به متهم برخوردار است، چراکه از امکانات و منابع بیشتری بهره‌مند بوده و به‌پشتوانه همکاری دولت‌ها و امکانات دفتر دادستانی و ... دسترسی گسترده‌تری به شواهد و اسناد دارد. از این‌رو، لازم است که تدابیری برای ایجاد توازن میان حقوق متهم و اختیارات دادستان اندیشیده

بین‌المللی ایفا می‌کند. اختیار دادستان ترکیبی مقتبس از نظام‌های حقوقی کامن لا نوشته است و متضمن رعایت بسیاری از الزامات دادرسی عادلانه است. به‌لحاظ حذف نهاد بازپرسی، انجام امر تحقیق در کنار وظیفه تعقیب به‌عهد دادستان است، لیکن تمام وظایف دادستان تحت نظارت قضایی انجام می‌شود. از این‌رو، بهره‌گیری از نظام حاکم بر دیوان که درصدد ایجاد هماهنگی بین نظام‌های حقوقی ملی در امر تعقیب کیفری بوده است، می‌تواند نقش به‌سزایی در تثبیت اصول دادرسی عادلانه ایفا کند (توحیدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۷).

<sup>۱</sup>- حمایت و تضمین حقوق بزه‌دیدگان جرایم بین‌المللی همچون تروریسم در چهارچوب نظام حقوق کیفری ملی و بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین مسائل موجود در حقوق کیفری بوده که این امر مورد توجه مجامع بین‌المللی قرار گرفته است و بر این اساس مبادرت به تصویب اسناد متعددی نموده‌اند. بنابراین ضرورت حمایت بزه‌دیده که از آموزه‌های مکتب عدالت ترمیمی است، در نظام حقوقی ملی و بین‌المللی به‌لحاظ شدت و گستردگی اقدام‌های تروریستی، ضرورت بیشتری می‌یابد (قربان‌نیا و نمایان، ۱۳۹۵: ۹۷).

<sup>۲</sup>- نهاد دادستان در فرایند تعقیب کیفری، با این‌که حقوق و الزامات برابر در تدارک دفاع برای متهم، نقش به‌سزایی در تحقق دادرسی منصفانه در نظام‌های داخلی و

سلاح‌ها با استفاده از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱- ساختار فرایند تحقیقات مقدماتی: به‌طور کلی در ساختار دادرسی در میزان رعایت اصل تساوی سلاح‌ها رابطه مستقیمی دارند، بدین‌نحو که در این ساختار تا چه مقدار به هم‌ترازی حق‌ها منجر می‌شود؛ درخصوص این به‌نحو کلی لازم است که دو موضوع مهم مورد بررسی قرار گیرد: ۱- مرجع انجام تحقیقات مقدماتی؛ ۲- وضعیت نظارت قضایی.

#### ۱-۱- مرجع فرایند تحقیقات مقدماتی

دادستان دیوان به‌عنوان مقام تعقیب و تحقیق، دو نوع تحقیق را می‌تواند انجام دهد: نوع اول تحقیق، زمانی است که وی قصد دارد به‌صورت ابتکاری و بر مبنای اختیار خود و یا پس از ارجاع یکی از کشورهای عضو، تعقیب یک وضعیت را در دستور کار قرار دهد، در چنین فروضی، مستنداً به ماده ۱۵ و بند ۱ ماده ۵۳ اساسنامه، دادستان باید ابتدا به این نتیجه برسد که مبنای معقولی برای شروع به تعقیب وجود دارد. برای رسیدن به این اقتناع وجدانی هم دادستان باید تحقیقات لازم را انجام دهد (صابر، ۱۳۹۴: ۱۳۰). نوع دیگر از تحقیق، تحقیقاتی است که دادستان به‌عنوان مقام تحقیق باید انجام دهد. در این مقام، دادستان باید هم ادله به نفع متهم و هم ادله‌ای که علیه وی وجود دارد، جمع‌آوری نماید (ماده ۵۴ اساسنامه) (صابر، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

در دیوان کیفری بین‌المللی با اقتباس از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نسل‌های قبلی خود برای انجام تحقیقات مقدماتی، قاضی تحقیق بی‌طرف و مستقلاً را مانند بازپرس در نظام دادرسی مختلط پیش‌بینی نشده است و درحالی‌که حضور قاضی تحقیق در فرایند تحقیقات مقدماتی درجهت ایجاد تساوی سلاح‌ها بسیار مؤثر باشد، درحالی‌که در صورت عدم وجود قاضی تحقیق دو طرف دعوی متهم و دادستان در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرد و قطعاً این دو طرف با یکدیگر برابر نیستند (شکیب‌راد، ۱۴۰۲: ۱۷).

حتی در صورتی‌که در قوانین و مقررات اختیارات برابری برای این دو طرف در نظر گرفته شود، امکان عملی تساوی بین

دادستان و متهم وجود ندارد (شکیب‌راد، ۱۴۰۲: ۱۷). نمونه این اتفاق در سال ۱۹۸۸ در ایتالیا رخ داد که علاوه بر حذف بازپرس و اختیارات برابری در مرحله تحقیقات مقدماتی برای متهم و دادستان پیش‌بینی شد، اما هیچ‌گاه این دو در وضعیتی برابر قرار نگرفته‌اند و این تغییرات نتوانست به شیوه صحیحی اجرا شود (بوشهری، ۱۳۹۰: ۱۸۹-۱۸۷). دادستان خود طرف دعوی می‌باشد و این تکلیفی بر اساس ماده ۵۴ اساسنامه برعهده دادستان گذاشته شده است که او دلایل به نفع متهم را نیز جمع‌آوری نماید، به‌نظر می‌رسد که ناشی از خوش‌بینی نویسندگان اساسنامه رم بوده است و به‌طور کلی این‌که از دادستان توقع داشت تا دلایل به نفع متهم را جمع‌آوری نماید، مانند آن است که او انتظار داشت تا به‌عنوان دشمنی شریف اقدام کنند (زراعت، ۱۳۹۸: ۳۵۰).

در مقام عمل نیز در مواردی دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، مانند پرونده Kenyatta (در این پرونده پس از اثبات این‌که شاهدان غیرقابل اعتماد هستند، دادستان شروع به تعقیب کرد). دادستان نتوانسته به‌منابۀ تحقیق‌کننده بی‌طرف حقیقت عمل کند (Fedorova, 2017: 216). با این وجود پیش‌بینی شعبه مقدماتی در اساسنامه با آن سازوکار خاص آن تا حدی جایگاه دادستان تعدیل (یا بتعبیری تلطیف) کرده که در قسمت بعدی به آن پرداخته می‌شود.

#### ۱-۲- وضعیت نظارت قضایی

در مرحله تحقیقات مقدماتی دیوان، نظارت قضایی به‌وسیله شعبه مقدماتی به‌نحو گسترده‌ای پیش‌بینی شده است. درخصوص پیش‌بینی نظارت قضایی شعبه مقدماتی گفته شده که این امر به دلیل حفظ منافع جامعه بین‌المللی و حمایت از حقوق مظنونان مقرر شده است. راه حل اساسنامه رم بیشتر مبتنی بر مدلی ترافی است (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۸۷: ۲۴۸). بنابراین، شعبه مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری، یک نظام دادرسی پیشرفته است که توانسته با تعامل دادسرا در مرحله تحقیقات مقدماتی، با صدور مجوزهای لازم و سیاست‌های نظارتی، تا حدودی اهداف یک دادرسی استاندارد را برآورده نماید. نتیجه این‌که در مرحله شروع به تعقیب و انجام تحقیقات مقدماتی، در صورتی‌که دادستان نخواهد مبنای عدل و انصاف

جانب شعبه تا حد زیادی می‌تواند اختیارات دادستان را تعدیل کند.

## ۲- وضعیت حقوق متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی

پیش‌بینی برخی از حقوق برای متهم، می‌تواند درجهت تساوی سلاح‌ها مؤثر باشد، در ادامه به این دست از حقوق در دیوان کیفری بین‌المللی پرداخته می‌شود.

### ۱-۲- حق برخورداری از وکیل

امروزه حق برخورداری از وکیل برای متهمان در فرایند رسیدگی کیفری در غالب نظام‌های حقوقی به رسمیت شناخته می‌شود. نظام حقوق بین‌الملل نیز این حق را در کنار سایر حقوق بشر پیگیری می‌کند. توجه حقوق بین‌الملل به حق برخورداری از وکیل در دو سطح صورت گرفته است: نخست آن‌که محاکم بین‌المللی همچون دیوان کیفری بین‌المللی این ضابطه را در قواعد و رویه خود مرعی دارند؛ دوم آن‌که دولت‌ها در نظام‌های حقوقی ملی خود از اعطای این حق به متهمان قصور نرزنند (موسوی میرکلانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

بنابراین حق برخورداری از وکیل در پرونده‌های جنایی برای یک دادرسی عادلانه اساسی است. اعلامیه جهانی حقوق بشر اولین سند حقوق بین‌الملل بود که این حق را بیان کرد. بعدها در چندین کنوانسیون بین‌المللی و قوانین اساسی ملی تأیید شد. در سال ۲۰۱۲، سازمان ملل متحد اصول و رهنمودهایی را در مورد دسترسی به کمک‌های حقوقی در نظام‌های عدالت کیفری اعلام کرد<sup>۲</sup> و کشورهای عضو را تشویق کرد تا یک نظام کمک حقوقی مؤثر برای فقیر ایجاد کنند.

بنابراین یکی از اصول اساسی حقوق متهم، فرض برائت تا زمان اثبات جرم است. این اصل مسؤولیت اثبات جرم متهم را فراتر از شک منطقی برعهده دادستان می‌گذارد. در اصل، هر فردی بی‌گناه تلقی می‌شود، مگر این‌که دادستان بتواند شواهد قانع‌کننده‌ای برای خلاف آن ارائه دهد. محور اصلی یک روند

را به‌عنوان یک قاضی بی‌طرف رعایت نماید، به راحتی می‌تواند تعقیب علیه یک کشور را آغاز کند و این شعبه مقدماتی است که جلوی این بی‌عدالتی را به‌عنوان یک مرجع متشکل از قضات با تابعیت‌های متفاوت سد و درصورت تشخیص، جواز تحقیق یا عدم تحقیق را صادر می‌نماید (مهدوی‌نژادارشلو و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۸۷).

در ابعاد مختلفی نظارت قضایی شعبه مقدماتی گسترش یافته است، از جمله این موارد به اختصار عبارت است از: ۱- لزوم تأیید شعبه مقدماتی راجع به تصمیم دادستان مبنی بر عدم آغاز تحقیق؛ ۲- ضرورت تأیید شعبه مقدماتی در مورد شروع به تعقیب و تحقیق؛ ۳- شعبه مقدماتی مرجع صدور دستور بازداشت و احضار متهم؛ ۴- نظارت شعبه مقدماتی بر جریان بازداشت و آزادی موقت متهم توسط مراجع ملی؛ ۵- صلاحیت شعبه مقدماتی در تبدیل قرار متهم و آزادی موقت وی، این موارد صلاحیت نظارت قضایی شعبه مقدماتی است که بررسی تفصیلی آن از حوصله این خارج است.<sup>۱</sup>

باوجود این اختیارات در باب نظارت قضایی که برای شعبه مقدماتی پیش‌بینی شده است، اختیار تحقیقی استثنایی نیز برای آن در نظر گرفته شده است که براساس بند ۳ ماده ۵۶ اساسنامه رم دادستان دلیل خاصی جمع‌آوری نکند و از نظر شعبه مقدماتی وجود این دلیل برای محاکمه ضروری باشد، شعبه مقدماتی با دادستان مشورت می‌کند و اگر پس از مشورت با دادستان به این نتیجه برسد که عدم توجه دادستان به این دلیل خاص غیرموجه است خود شعبه مقدماتی اقدام به جمع‌آوری این دلیل می‌کند.

پیش‌بینی نظارت قضایی توسط شعبه مقدماتی و اختیار استثنایی تحقیقاتی توسط آن تا حد زیادی درجهت تساوی سلاح‌ها بین متهم و دادستان مؤثر است و این اختیارات از

Justice Systems, New York, 2013, [https://www.unodc.org/documents/justice-and-prison-reform/UN\\_principles\\_and\\_guidelines\\_on\\_access\\_to\\_legal\\_aid.pdf](https://www.unodc.org/documents/justice-and-prison-reform/UN_principles_and_guidelines_on_access_to_legal_aid.pdf).

<sup>۱</sup> برای مطالعه تفصیلی در این خصوص ر.ک. صابر، محمود، آیین دادرسی کیفری دیوان کیفری بین‌المللی، ۱۲۴-۱۱۶.

<sup>۲</sup> The United Nations Office on Drugs and Crime, United Nations Principles and Guidelines on Access to Legal Aid in Criminal

عدالت و حفظ مشروعیت این محاکم تلقی می‌شود (رستمی غازانی، ۱۳۹۲: ۸۴). به این دلیل است که در تمامی محاکم کیفری بین‌المللی این حق به صراحت پیش‌بینی شده است، از جمله در ماده ۱۶ منشور نورمبرگ، ماده ۲۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی یوگسلاوی و ماده ۲۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی رواندا.

درخصوص دیوان کیفری بین‌المللی نیز به صراحت در بند «د» از بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه رم ذکر شده است که متهم این حق را دارد که شخصاً و یا از طریق مشاور حقوقی انتخابی خود در محاکمه حضور یابد و از این حق مطلع شود که اگر از وکیل یا مشاور حقوقی برخوردار نیست، حق دارد تا از مساعدت مشاور حقوقی که دیوان در صورت ضرورت و در راستای اجرای عدالت فراهم می‌کند، به‌رمند شود، حتی اگر توان مالی برای پرداخت هزینه‌های مربوطه را نداشته باشد (صابر، ۱۳۹۴: ۲۴۶).

یکی از حقوق متهم که می‌تواند در جهت تساوی سلاح‌ها بین متهم و دادستان نقش اساسی ایفا کند، حق داشتن وکیل است، زیرا دادستان، مقامی می‌باشد که در امور حقوقی متخصص می‌باشد و دارای تجربه کافی نیز می‌باشد، در مقابل، درخصوص متهم فرض بر این است که او تخصصی در امور حقوقی ندارند و دارای تجربه نیز از فرایند دادرسی نمی‌باشد و در نتیجه لازم است که برای رفع این ناترازی متهم بتواند از وکیل که متخصص در امور حقوقی می‌باشد، استفاده نماید. در اساسنامه رم به این موضوع توجه داشته و حق داشتن وکیل را برای متهم پیش‌بینی شده است، اما درخصوص حق داشتن وکیل در

قانونی منصفانه، حق متهم برای وکالت قانونی است. این حق تضمین می‌کند که افراد به یک وکیل مدافع دسترسی دارند که می‌تواند از طرف آن‌ها وکالت کند، شواهد ارائه کند و پرونده مطرح‌شده توسط دادستان را به چالش بکشد. وکالت قانونی سنگ بنای یک محاکمه عادلانه است که به متهم این امکان را می‌دهد تا از پیچیدگی‌های نظام حقوقی عبور کند. از این رو، حق محاکمه سریع یکی دیگر از عناصر مهم حقوق متهم است. این افراد را از بازداشت طولانی مدت پیش از محاکمه محافظت می‌کند و تضمین می‌کند که پرونده‌ها به سرعت حل و فصل می‌شوند. علاوه بر این، حق محاکمه عمومی شفافیت و پاسخگویی را در روند قانونی تضمین می‌کند. محاکمه‌های عمومی امکان بررسی دقیق جامعه و رسانه‌ها را فراهم می‌آورد و انصاف را ترویج می‌کند و از سوءرفتار احتمالی جلوگیری می‌کند (White, 2023: 1).

در محاکمات کیفری بین‌المللی به جهت اختلاط آن با سیاست حاکم بر روابط بین‌المللی از حیث مشروعیت در مظان اتهام است. از این رو رعایت مقررات مربوط به حقوق بشر و از جمله حق برخورداری متهم از وکیل و ارائه دفاع کارآمد از متهم می‌تواند مانع از زیر سؤال رفتن تلاش‌های بین‌المللی برای محاکمه جنایتکاران بین‌المللی شود. حق برخورداری از وکیل در محاکمات کیفری بین‌المللی به لحاظ پیچیدگی‌های حقوقی و عملی حاکم بر جرایم بین‌المللی و محاکمات آن‌ها نیز قابل تأکید است<sup>۱</sup> (می و هاسکینز، ۱۳۹۳: ۹۲-۸۹). از این منظر، حق برخورداری از وکیل، نه تنها گامی در راستای حفظ حقوق مظنون یا متهم، بلکه در عین حال، گامی در راستای تحقق

ضمانت اجرای کیفری در نظم حقوقی بین‌المللی و بی‌کیفرماندن رفتارهای مجرمانه بین‌المللی، از نواقص عمده موجود در این شاخه از حقوق بین‌المللی عمومی است، البته باید اذعان داشت که حقوق بین‌المللی کیفری طی دو دهه اخیر سیر تکاملی شتابانی داشته و دستاوردهای قابل توجهی به جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌المللی ارائه کرده است، هرچند این تحولات را تنها می‌توان به حوزه حقوق ماهوی معطوف کرد و در حوزه اجرایی و در چهارچوب دادرسی‌های کیفری بین‌المللی توفیقات قابل ملاحظه‌ای نداشته است (نماینان: ۱۴۰۳: ۴۱۸). در این راستا، دیدگاه صاحب نظران حقوق کیفری بر این امر استوار است که حقوق بین‌المللی کیفری در تعقیب جنایات شناسایی‌شده بین‌المللی از اقتدار لازم برخوردار نیست، زیرا تنها یک دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند صلاحیت احضار و محاکمه مرتکبان را اعمال کند که آن هم از قدرت برای فشار به دولت‌ها برخوردار نخواهد بود (Marchuk, 2014: 56-59).

<sup>۱</sup> - یکی از جرایم بین‌المللی که امروزه به‌نحو فزاینده‌ای در حال توسعه در جامعه جهانی است، تروریسم بوده که به‌مثابه یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین چالش‌های نظام بین‌المللی و دهشتناک‌ترین تهدید علیه حقوق و آزادی‌های اساسی ملت‌ها است، البته ارتکاب این نوع از جرایم به‌نحوی است تا جامعه جهانی نسبت به شناسایی و سنجش تهدیدهای ناشی از آن، تجدید نظر در نظام و سازوکارهای حقوقی، امنیتی و فنی را در عرصه بین‌المللی و ملی طرح‌ریزی کند، درضمن این دسته از جرایم در حال حاضر به‌عنوان یک جرم معاهداتی قلمداد می‌شود که با توجه به معیار بین‌المللی و فراملی بودن آن، می‌توان آن را در قلمرو هر سرزمینی تحت تعقیب و رسیدگی قرار داد، هرچند که امکان رسیدگی به آن‌ها در چهارچوب صلاحیت قضایی جهانی وفق اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی کماکان با موانعی مواجه است (نماینان، ۱۴۰۱: ۲۵۳؛ دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر ملل متحد، ۱۳۹۰: ۹۲-۸۷)، هرچند لازم به‌ذکر است که فقدان و ناکارآمدی

طبق ماده ۵۴ اساسنامه رم، دادستان موظف است تمامی واقعیات و دلایل، اعم از آن که له یا علیه متهم باشد، را بررسی کند.

همچنین دادستان باید اقداماتی را برای تضمین مؤثر بودن تحقیقات و محاکمه و همچنین حمایت از شهود و بزه‌دیدگان انجام دهد (Hodgson, 2023: 289-290). این ماده نشان می‌دهد که دادستان باید علاوه بر دلایل اثبات‌کننده جرم، دلایل تبرئه‌کننده را نیز بررسی کرده و در صورت لزوم افشا کند. ماده ۶۱ اساسنامه رم که به تأیید اتهامات قبل از محاکمه می‌پردازد، تصریح می‌کند که دادستان موظف است دلایلی که قصد استفاده از آن‌ها را در محاکمه دارد، به متهم افشا کند و متهم این حق را دارد که به تمام شواهد و مدارک موجود علیه خود دسترسی داشته باشد تا بتواند از خود دفاع کند. همچنین ماده ۶۷ اساسنامه رم به حقوق متهم اشاره دارد و در بند ۲ آن بیان می‌شود که متهم حق دارد به تمامی مدارکی که به نفع او باشد یا اعتبار دلایل دادستان را زیر سؤال ببرد، دسترسی داشته باشد.

این ماده یکی از مهم‌ترین مبانی افشای دلیل است، زیرا تأکید می‌کند که حتی اگر مدرکی به ضرر پرونده دادستان باشد، اما به نفع متهم باشد، باید افشا شود. در این میان ماده ۶۸ نیز به حمایت از بزه‌دیدگان و شهود در جریان تحقیقات و محاکمه پرداخته و تصریح می‌کند که دادستان می‌تواند از افشای برخی اطلاعات برای حفاظت از امنیت شهود خودداری کند، اما این کار نباید به حقوق متهم برای دفاع لطمه بزند. از سوی دیگر، برخی محدودیت‌های قانونی و عملی برای افشای دلیل در این مرحله وجود دارد، از جمله محرمانه‌بودن برخی تحقیقات طبق ماده ۵۴(۳)(ه) که به دادستان اجازه می‌دهد برخی از اسناد را تا مرحله محاکمه افشا نکند، حفاظت از شهود و بزه‌دیدگان که ممکن است به صورت جزئی یا کلی سانسور شود و همچنین حفظ منافع تحقیقات که در آن دیوان اجازه دارد اطلاعاتی را که افشای آن‌ها ممکن است به روند تحقیقات لطمه بزند، تا زمان مناسب منتشر نکند.

براساس ماده ۶۸ بند ۳ اساسنامه رم، بزه‌دیدگان حق دارند در تمامی دادرسی‌ها شرکت کنند. با این حال، مشارکت بزه‌دیده،

اساسنامه تنها چالشی که وجود دارد، این است که در صورتی که متهم وکیل نداشته باشد، دیوان تنها در صورتی برای او وکیل تعیین می‌نماید که در راستای عدالت باشد؛ مقید کردن این معاضدت به راستای عدالت‌بودن به نظر می‌رسد که یک خلأ می‌باشد که می‌تواند موجب سوءاستفاده گردد، اگرچه ممکن است ایراد شود که در مقام عمل تاکنون سوءاستفاده‌ای از این موضوع رخ نداده است، در پاسخ می‌توان بیان نمود که در مقام تعیین تقنین لازم است همه تدابیر در نظر گرفته شود تا یک روزی از خلأهای قانونی سوءاستفاده‌ای رخ ندهد.

## ۲-۲- افشای دلیل و حق به مناقشه کشیدن آن

یکی از ویژگی‌های اساسی محاکمه عادلانه، به مثابه چهارچوبی از برابری سلاح‌ها، افشای دلیل به وسیله دادستان است که به متهم اجازه می‌دهد برای محاکمه آماده شود. در نظام تفتیشی، این امر به سادگی صورت می‌گیرد، چون تمام ادله گردآوری شده در زمان تحقیق در پرونده واحدی جمع می‌شود که اساساً در دسترس متهم است (کرایر، ۱۳۹۹: ۱۶۵-۱۶۴).

بزه‌دیدگان مدت‌هاست که از عدالت کیفری کنار گذاشته شده‌اند. نظام‌های جنایی مدرن غربی براساس نظام دولت مستقل ساخته شده‌اند، جایی که جنایات تهدیدی برای امنیت داخلی دولت تلقی می‌شوند. دولت بازیگر اصلی در فرآیند عدالت کیفری بوده است، مجرم را تحت تعقیب قرار می‌دهد و با انجام این کار، از منافع جامعه به جای بزه‌دیده به عنوان آن محافظت می‌کند (Shimoyachi, 2024: 1-2). دیوان کیفری بین‌المللی اولین دادگاه بین‌المللی است که حق جبران خسارت بزه‌دیدگان را که به تازگی به رسمیت شناخته شده است را در نظر گرفته است (Furuya, 2020: 241-242). با این حال، شک و تردید قابل توجهی در مورد این که چگونه دیوان کیفری بین‌المللی و به طور گسترده‌تر، عدالت کیفری بین‌المللی در خدمت اهداف جبران خسارت بزه‌دیدگان است، وجود دارد (Cuppini, 2021: 318).

افشای دلیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در دیوان کیفری بین‌المللی فرآیندی مهم است که در اساسنامه رم مورد توجه قرار گرفته است. این مرحله نقش کلیدی در تضمین دادرسی عادلانه، حفظ حقوق متهم و رعایت اصول عدالت کیفری دارد.

فرایند دادرسی حفظ شود و می‌تواند در هم‌ترازی حق‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی مؤثر باشد.

در دیوان کیفری بین‌المللی مطابق با ماده (۷) ۶۹ اساسنامه رم قاعده بطلان دلیل تحت تأثیر نظام دادرسی کیفری اتهامی پذیرفته شده است. قاعده بطلان دلیل در دیوان کیفری بین‌المللی براساس ماده (۷) ۶۹ اساسنامه رم بیان می‌کند که «اگر دلیلی از طریق نقض حقوق اساسنامه‌ای به‌دست آمده باشد یا پذیرش آن موجب لطمه جدی به عدالت و منصفانه‌بودن محاکمه شود، غیرقابل پذیرش خواهد بود.»

این قاعده بر مبنای اصول عدالت کیفری و حفظ حقوق متهم تدوین شده است تا از استفاده از دلایلی که با روش‌های غیرقانونی مانند شکنجه، اجبار یا تهدید به‌دست آمده‌اند، جلوگیری کند، حتی اگر یک دلیل مستقیماً حاصل از نقض حقوق نباشد، اما پذیرش آن موجب بی‌اعتباری روند دادرسی شود، دیوان می‌تواند آن را رد کند. این قاعده با اصول بین‌المللی مانند نظریه میوه درخت سمی شباهت دارد و هدف آن تضمین مشروعیت دادرسی است. قضات دیوان اختیار دارند که در هر پرونده بررسی کنند که آیا دلیل مورد نظر در شرایطی کسب شده که عدالت را خدشه‌دار کند یا خیر، در نتیجه اصل بطلان دلیل یکی از ابزارهای مهم دیوان برای جلوگیری از نقض حقوق متهم و تضمین دادرسی عادلانه و تساوی سلاح‌ها است.

### نتیجه‌گیری

اصل تساوی سلاح‌ها یکی از اصول بنیادین دادرسی عادلانه است که در نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و در بسیاری از اسناد حقوق بشری، از جمله ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار

به‌ویژه در مراحل اولیه، به‌طور فزاینده‌ای محدود می‌شود (Knoops, 2024: 52). بزه‌دیدگان باید فرصت بیشتری برای شنیده‌شدن صدای خود در مراحل اولیه رسیدگی داشته باشند، از جمله مرحله تحقیقات که در حال حاضر فاقد پروتکل‌های رویه‌ای است که برای مراحل بعدی دادرسی وجود دارد.<sup>۱</sup> بنابراین افشای دلیل در مرحله تحقیقات مقدماتی براساس اساسنامه رم بر پایه حفظ حقوق متهم، برابری سلاح‌ها و توافقی شدن فرایند دادرسی انجام می‌شود و دادستان موظف است که دلایل را به‌صورت عادلانه و شفاف افشا کند، اما امکان حفاظت از برخی اطلاعات حساس نیز وجود دارد<sup>۲</sup> (Cuppini, 2024: 491).

درواقع برای توافقی‌بودن دادرسی، دو رکن اساسی لازم و ضروری است. یک حق اطلاع از ادله‌ها، ادعاها، استدلال‌های ابرازی؛ دوم حق به مناقشه‌کشیدن ادله و ملاحظه‌های طرف مقابل (ساقیان، ۱۳۹۷: ۱۸۲) که در اساسنامه رم به موضوع توجه گردیده و لازم به توضیح است که توافقی‌بودن رسیدگی رابطه بسیار نزدیکی با برای سلاح‌ها دارد (ساقیان، ۱۳۸۶: ۸۵).

### ۲-۳- پیش‌بینی قاعده بطلان دلیل

این ضمانت اجرا برخلاف سایر ضمانت اجراها مانند ضمانت اجرای انتظامی و...، متوجه خود عمل می‌باشد و درواقع این ضمانت اجرا به این معنی است که اقدامات تحقیقی انجام‌شده در صورت عدم رعایت برخی از مقررات قانونی باطل می‌باشد؛ این ضمانت اجرا با توجه به این که مبنای آن براساس مقررات دادرسی می‌باشد، می‌تواند در جهت رعایت تشریفات و اصول دادرسی و حفظ حقوق متهم در مقابل مقامات قضایی (از جمله دادستان) بسیار مؤثر باشد و به‌واسطه آن حقوق افراد نیز در

کمک کنند. این نشست متمرکز بر موضوعات مختلف مرتبط با حفاظت و حمایت، نظیر حفاظت از شاهد در چهارچوب بین‌المللی و از منظر ملی، ارزیابی تهدید و خطر، مدیریت خطر، محرمانه‌بودن و امنیت اطلاعات، ابعاد روانی اجتماعی در حفاظت از شاهدان، مدیریت کودکان در حفاظت از شاهد و یادداشت‌های تفاهم، بود؛

- <https://www.icc-cpi.int/news/international-criminal-court-holds-conference-victim-and-witness-protection-and-support>.

<sup>۱</sup> - Victims' Rights at the International Criminal Court (ICC): Making Victims' Rights Enshrined in the Rome Statute a Reality (December 2024), <https://reliefweb.int/report/world/victims-rights-international-criminal-court-icc-making-victims-rights-enshrined-rome-statute-reality-december-2024>.

<sup>۲</sup> - از ۳۰ سپتامبر تا ۴ اکتبر ۲۰۲۴، دیوان کیفری بین‌المللی با حمایت مالی اتحادیه اروپا نشستی را در خصوص حمایت از شاهدان و بزه‌دیدگان با مشارکت مؤسسه ملل متحد آسیا و خاور دور در مقر دادگاه، در لاهه، هلند برگزار کرد تا به اعمال یک الگوی یکپارچه، شاهد و بزه‌دیده‌محور برای حمایت از بزه‌دیدگان و شاهدان

دلیل، قاعده بطلان دلیل نیز یکی از سازوکارهای مهم برای حفظ تساوی سلاح‌ها است. براساس ماده (۷) ۶۹ اساسنامه رم، «اگر دلیلی از طریق نقض حقوق اساسنامه‌ای به دست آمده باشد یا پذیرش آن موجب لطمه جدی به عدالت شود، غیرقابل پذیرش خواهد بود.» اجرای صحیح این قاعده می‌تواند تا حد زیادی به رعایت تساوی سلاح‌ها کمک کند، اما در عمل همچنان چالش‌هایی در رد یا پذیرش برخی ادله وجود دارد که می‌تواند منجر به نابرابری میان طرفین شود.

علاوه بر این، حق برخورداری از وکیل یکی از اساسی‌ترین تضمینات برای رعایت تساوی سلاح‌ها در دادرسی کیفری بین‌المللی است. در ماده ۶۷ اساسنامه رم، این حق مورد تأکید قرار گرفته و تصریح شده است که متهم می‌تواند شخصاً یا از طریق وکیل انتخابی خود در محاکمه حضور یابد و در صورت ناتوانی مالی، دیوان موظف است برای او وکیل تعیین کند. با این حال، این امر مشروط به این است که دیوان تشخیص دهد که این اقدام در راستای عدالت است. مقید شدن این حق به مصلحت‌سنجی دیوان می‌تواند زمینه‌ساز برخی سوءاستفاده‌ها باشد و موجب شود که برخی متهمان از حق دفاع مؤثر محروم شوند.

به‌طور کلی، اصل تساوی سلاح‌ها، هرچند در اساسنامه رم و رویه دیوان کیفری بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، اما در مرحله تحقیقات مقدماتی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است

گرفته است. این اصل تضمین می‌کند که طرفین دعوا، به‌ویژه در پرونده‌های کیفری، از حقوق و امکانات برابر برای ارائه دفاعیات خود برخوردار باشند و هیچ‌یک نسبت به دیگری در وضعیت ناعادلانه‌ای قرار نگیرد. در دیوان کیفری بین‌المللی، اگرچه این اصل مورد پذیرش قرار گرفته، اما چالش‌های متعددی در مسیر اجرای عملی آن مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده وجود نابرابری‌های ساختاری میان دادستان و متهم است.

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی، نقش گسترده دادستان در تحقیق و تعقیب بدون حضور یک مقام مستقل مانند قاضی تحقیق است. در نظام‌های دادرسی مختلط<sup>۱</sup>، قاضی تحقیق نقش مهمی در تضمین بی‌طرفی تحقیقات ایفا می‌کند، اما در دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان نه تنها مسؤول جمع‌آوری ادله جرم است، بلکه طبق ماده ۵۴ اساسنامه رم موظف است دلایل به نفع متهم را نیز گردآوری کند. این امر در عمل با چالش‌های جدی مواجه است، زیرا دادستان به‌عنوان طرف دعوا، منافع متفاوتی نسبت به متهم دارد و ممکن است بی‌طرفی لازم را در این زمینه رعایت نکند.<sup>۲</sup>

در عمل محدودیت‌هایی برای اجرای این حق وجود دارد، از جمله این که برخی دلایل به بهانه حفظ امنیت شهود یا جلوگیری از لطمه به تحقیقات، افشا نمی‌شوند که این امر می‌تواند موجب نقض حقوق متهم شود. در کنار حق افشای

<sup>۱</sup> بدون شک یکی از جالب‌ترین پدیده‌ها در حقوق بین‌المللی کیفری نوین در دهه آخر قرن گذشته و اوایل قرن بیست‌ویکم، ظهور نسل سوم محاکم کیفری بین‌المللی موسوم به «محاکم مختلط» است. یکی سازوکارهای موجود در سطح بین‌المللی برای تعقیب و کیفر جنایات، تأسیس محاکم کیفری بین‌المللی مختلط است. به‌علاوه، جامعه جهانی، ضرورت مشارکت نظام قضایی و حقوقی کشور محل ارتکاب را نیز برای کیفر مؤثر این‌گونه جنایات احساس و محاکم مزبور را تأسیس نمود. در سطح بین‌المللی، مراجع کیفری دائمی و موقتی، گزینه‌های مناسبی جهت استفاده جامعه جهانی برای مقابله با جنایات بین‌المللی هستند. از این رو، دیوان کیفری بین‌المللی تنها مرجع قضایی دائمی و صالح به رسیدگی به جنایات بین‌المللی است، اما وجود برخی محدودیت‌ها همچون لزوم ارجاع وضعیت ارتکاب جنایات بین‌المللی به شورای امنیت مانع نیل به مقصود است. باوجود این، محاکم موقتی، اعم از بین‌المللی صرف یا مختلط توأم با مراجع ملی، نیز می‌توانند به‌منظور تعقیب و رسیدگی به این دسته از جنایات تشکیل شوند، اما این اقدامات

<sup>۲</sup> در برخی پرونده‌ها، مانند پرونده Kenyatta مشخص شد که دادستان در گردآوری دلایل به نفع متهم کوتاهی کرده و شاهدان غیرقابل اعتمادی را معرفی کرده است که این امر به‌وضوح نشان‌دهنده ضعف در تحقق اصل تساوی سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی است، هرچند پیش‌بینی نقش شعبه مقدماتی به‌عنوان یک نهاد نظارتی تا حدی توانسته موقعیت برتر دادستان را تعدیل کند، اما همچنان این نگرانی وجود دارد که در مرحله تحقیقات، متهم از امکانات و منابع لازم برای دفاع از خود برخوردار نباشد. یکی از ابزارهای مؤثر در راستای اجرای اصل تساوی سلاح‌ها، حق افشای دلیل است که در مواد ۶۱ و ۶۷ اساسنامه رم مورد توجه قرار گرفته است. این مواد دادستان را ملزم می‌کنند که نه تنها دلایل اثبات‌کننده جرم، بلکه دلایل تبرئه‌کننده را نیز افشا کند تا متهم بتواند به‌طور مؤثر از خود دفاع کند.

بین‌المللی و نظام کیفری ایران از منظر دادرسی منصفانه». دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۵(۹۲): ۸۷-۱۰۵.

- دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر ملل متحد (۱۳۹۰). واکنش‌های عدالت کیفری به تروریسم. ترجمه پیمان نمایان، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

- رستمی غازانی، امید (۱۳۹۲). «حق برخورداری از وکیل در محاکمات کیفری بین‌المللی». حقوقی دادگستری، ۷۷(۸۳): ۸۷-۶۲.

- زراعت، عباس (۱۳۹۸). بنیادهای دادرسی کیفری. جلد اول، تهران: جنگل.

- ساقیان، محمدمهدی (۱۳۸۵). «اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)». حقوقی دادگستری، ۷۰(۵۷): ۷۹-۱۱۰.

- سافرلینگ، کریستوف (۱۳۹۷). آیین دادرسی کیفری بین‌المللی. ترجمه قباد کاظمی، ویراستاری علمی پیمان نمایان، تهران بنیاد حقوقی میزان.

- ساک کیتی چایساری، کریانگ (۱۳۹۳). حقوق کیفری بین‌المللی. ترجمه حسین آقایی‌جنت‌مکان، تهران: جنگل.

- شکیب‌راد، امیرحسین (۱۴۰۲). «امکان سنجی تعدیل وظایف و اختیارات بازپرس در جهت تحقق دادرسی منصفانه با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

- ساقیان، محمدمهدی (۱۳۹۷). «رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به اصل توافقی بودن در مرحله پیش‌دادرسی». دایره المعارف علوم جنایی، جلد سوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.

- قربان‌نیا، ناصر و نمایان، پیمان (۱۳۹۵). «جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم در نظام حقوق بین‌المللی». حقوق تطبیقی، ۳(۲): ۹۷-۱۲۲.

که ناشی از عدم توازن میان اختیارات دادستان و حقوق متهم، محدودیت در افشای دلیل، خلأهای موجود در اجرای قاعده بطلان دلیل و برخی موانع در حق برخورداری از وکیل است. برای تحقق واقعی این اصل، لازم است که تدابیری برای تضمین استقلال بیشتر فرآیند تحقیقات، نظارت دقیق‌تر بر افشای دلیل، تسهیل دسترسی متهمان به وکیل و اعمال مؤثرتر قاعده بطلان دلیل اتخاذ شود تا روند دادرسی کیفری بین‌المللی بیش از پیش به سمت عدالت و انصاف واقعی حرکت کند.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

## منابع و مأخذ

### الف. منابع فارسی

- آقایی‌جنت‌مکان، حسین (۱۳۸۷). «نظارت قضایی بر تشخیص دادستان دیوان بین‌المللی کیفری». حقوقی بین‌المللی، ۲۵(۳۹): ۲۴۵-۲۶۳.

- بوشهری، جعفر (۱۳۹۰). حقوق جزا (آیین دادرسی کیفری تطبیقی). جلد ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- پیری، حیدر (۱۴۰۲). «تأثیر تنوع زبانی و حق بر ترجمه در تحقق دادرسی عادلانه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی». آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۰(۲۵): ۹۳-۱۲۶.

- توحیدی، احمدرضا؛ بابایی، علی‌حسن و قیوم‌زاده، محمود (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی اختیار دادستان در دیوان کیفری

Criminal Court”. *Leiden Journal of International Law*, 37(2): 484-505.

– Knoops, A (2024). “Rule 68 and Prior Recorded Witness Testimony”. in: *International Criminal Evidence at the International Criminal Court*, Brill & Nijhoff.

– Fedorova, M (2017). *The Equality of Arms in International Criminal Proceedings*, Published online by Cambridge University Press.

– Furuya, Shuichi (2020). “The Right to Reparation for Victims of Armed Conflict”. in *Reparation for Victims of Armed Conflict*, edited by Correa, C., Furuya, S., and Sandoval, C, Cambridge: Cambridge University Press.

– Hodgson, N (2023). *Victims as agents of accountability: Strengthening victims’ right to review at the international criminal court*. *Criminal Law Forum*, 34: 273-294.

– Marchuk, I (2014). *The Fundamental Concept of Crime in International Criminal Law: A Comparative Law Analysis*. Springer Publication

– Cryer, R; Robinson, D & Vasiliev, S (2019). *An Introduction to International Criminal law and Procedure*. UK: Cambridge University Press, 2019

– Shimoyachi, N (2024). “Between Accountability and Reconciliation: The Making of the Victim-Centered Approach at the International Criminal Court”. *Global Studies Quarterly*, 4(2): 1-10.

– White, B (2023). “Understanding the Rights of the Accused: A Comprehensive Guide to Criminal Defense”. Law Offices of Brandon White, <https://brandonwhitelaw.com/blog/understanding-the-rights-of-the-accused-a-comprehensive-guide-to-criminal-defense>.

– صابر، محمود (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری دیوان کیفری بین‌المللی*. تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر.

– کرایر، رابرت؛ فریمن، هاگان؛ رابینسون، داریل و ویلمز هورست، الیزابت (۱۳۹۹). *درآمدی بر حقوق و آیین دادرسی بین‌المللی کیفری*. جلد سوم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

– معظمی، شهلا و نمایان، پیمان (۱۳۹۴). «نسل سوم محاکم کیفری بین‌المللی؛ دستاوردها، هنجارها و چالش‌ها». *پژوهش حقوق کیفری*، ۱۱(۴): ۱۱۳-۱۴۶.

– مهدوی نژاد ارشلو، صفورا؛ رحمت، محمدرضا و منصور، سیدمهدی (۱۴۰۲). «بررسی ساختار و فرایند رسیدگی شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی». *فقه جزای تطبیقی*، ۳(۵): ۲۸۷-۲۹۸.

– موسوی میرکلائی، سیدمصطفی؛ شاملو، باقر و گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۹). «حق برخورداری متهم از وکیل در رویه کمیته حقوق بشر ملل متحد». *فقه جزای تطبیقی*، ۸(۱۵): ۱۲۳-۱۴۹.

– می، لاری و هاسکینز، زاخاری (۱۳۹۳). *حقوق بین‌الملل کیفری و فلسفه*. ترجمه پیمان نمایان، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

– نمایان، پیمان (۱۴۰۱). «رسیدگی به جرایم تروریستی در چارچوب صلاحیت محاکم کیفری ملی و بین‌المللی». *راهبرد سیاسی*، ۴(۲۳): ۲۳۳-۲۵۳.

– نمایان، پیمان (۱۴۰۳). *کلیات حقوق کیفری ایران*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

#### ب. منابع انگلیسی

– Cuppini, A (2021). “A Restorative Response to Victims in Proceedings before the International Criminal Court: Reality or Chimaera?”. *International Criminal Law Review*, 21(2): 313-341.

– Cuppini, A (2024). “The ideal victim: A cage for victims’ narratives at the International